

بوي سبزه

بوي باران

بوي خاک

شاخه هاي شسته باران خورده پاک

آسمان آبي و ابر سفيد

برگهاي سبز بيد

عطر نرگس رقص باد

نغمه شوق پرستوهاي شاد

خلوت گرم کبوترهاي مست

نرم نرمک مي رسد اينک بهار

خوش به حال روزگار

خوش به حال چشمه هاودشتها

خوش به حال دانه ها وسبزه ها

خوش به حال غنچه هاي نيمه باز

خوش به حال دختر ميخک که مي خندد به ناز

خوش به حال جام لبريز از شراب

خوش به حال آفتاب

اي دريغ از تو اگر چون گل نرقصي با نسيم

اي دريغ از من اگر مستم نسازد آفتاب

اي دريغ از ما ، دريغ از ما

اگر کامي نگيريم از بهار

گر نکوبي شيشه غم را به سنگ

هفت رنگش مي شود هفتاد رنگ